

معرفی کوتاه:



اسماعیل آذر برای اهالی ادبیات، مخصوصاً طرفداران شعر و ادبیات پژوهشی نامی آشناست.با اینکه او استاد ادبیات فارسی در دانشگاه است، اما خیلی از شهروندان چهره او را به‌عنوان مجری برنامهٔ مشاعره تلویزیون می‌شناسند. آذر آثار بسیاری ترجمه و تالیف کرده و دربارهٔ کتلی که خواندن آن را به پیشه پیشنهاد می‌دهد می‌گوید: «برای معرفی یک کتاب و اثر ادبی، طبیعتاً سلاقی مختلف است.اما در بخش قصه‌ها و رویدادهای تاریخی، می‌توان اشتراکاتی پیدا کرد. من کتاب «عبرنگاه تاریخ» را پیشنهاد می‌دهم. در این کتاب از هر دوره تاریخی، قسمت‌های مهم به شکل قصه‌های کوتاه بیان شده‌است و تلاش کرده‌ام قصه‌ها کوتاه باشند و به مهم‌ترین نکات آن دوره تاریخی بپردازند. کوتاه‌بودن قصه‌ها باعث می‌شود حوصله مخاطب سر نرود.»
انطور که آذر می‌گوید این کتاب در سال اول انتشار با استقبال خوبی مواجه شد به‌طوری که در مدتی کوتاه، به چاپ سیزدهم رسید. آنچه در متن کتاب آمده حقایقی است که از خلال تاریخ ایران بر گرفته شده و همه آنها هستند.

روز هفتم

کافه دارالخلافه



نشانی: خیابان امام خمینی، خیابان شیخ هادی، کوچه مظفری‌خوانه
آدرس: تهران، پست‌کد: ۱۳۹۶
نزدیکترین ایستگاه مترو: میدان امام خمینی
دسترسی: با اتوبوس، اتوبوس‌های مقصد خیابان امام خمینی
روزها و ساعت فعالیت: هر روز - ساعت: ۱۳:۳۰ تا

معرفی: برخی کافه‌های تهران چند ویژگی را با هم دارند، مهم‌حال نوشیدن قهوه و خوردن خوراکی هستند و هم یک جای دنج برای مطالعه و هم مرکزی فرهنگی برای مرور تاریخ و هویت این شهر. کافه دارالخلافه در محله دولت‌از تان کافه‌است.

مرور تاریخ

عمسارت کافه کتاب دارالخلافه تا ۱۰۰ سال پیش در اختیار «همین الملک مزیانی» امام مظفرالدین شاه و همسرش «قدس السلطنه» «خاله علی امینی» نخست‌وزیر پهلوی دوم) بود و دکتر امینی در دهه ۴۰ آن را رفته کرد. سرانجام به‌دواز مرمّت و احیا در سال ۱۳۹۷ در ایان این کافه روی دستداران فرهنگ، هنر، تاریخ و هویت تهران باز شده‌است.بنای کافه کتاب مثل همه خانه‌های

اعیانی قدیمی اندرونی و بیرونی دارد. اندرونی شامل ۵ اتاق است که هر کدام نام یکی از محله‌های قدیمی تهران را بر پیشانی و تصاویر بزرگان آن محله را بر سینه دارد. راه‌پله باریکی اتاق‌های طبقه اول (محله‌های بازار و چاله میدان) را به طبقه دوم (محله‌های عودلاجان، سنگلج، ارگ) می‌رساند. ویژگی مشترک اتاق‌هایمیز و صندلی‌های لهستانی و طاقچه‌های بزرگ گچی است که رویشان مجموعه‌ای زیبا و چشم‌نواز از فانوس، سماور، ترازو، چراغ‌های والور و نسل اولیه رادیو و تلویزیون دوره‌بین‌ها، جام و شمعدان‌های برجی و شیشه‌ای و… جا گرفته و روی دیوارها نقشه‌های قدیمی دارالخلافه تهران و عکس‌های قدیمی کمپاب آن دوره پیش چشم مراجعه‌کنندگان نصب شده‌است.

گنجینه‌ای ارزشمند

یکی از نقاط قوت و ویژگی منحصر به فرد این کافه، وجود کتابخانه غنی آن است که در عمارت جنوبی و کنار نمازخانه جای گرفته و در آن حدود ۳ هزار و ۵۰۰ جلد کتاب ارزشمند، کمپاب و بعضاً ناب‌و موضوعات تاریخی‌ادی، فرهنگی، مذهبی، رمان دیده می‌شود. همچنین نمونه مجله‌ها و روزنامه‌های دوره قاجار به و پهلوی مانند صوراسرافیل، مرآت السفر، تربیت، شرف و شرافه، دولت علیه، وقایع اتفاقیه، روزنامه‌های اطلاعات، مجله‌های سپیدوسایه،غیما،اطلاعات ماهانه، یاداگر، معارف اسلامی، هنر و مردم- نیز در اینجا موجود است. اگر گذر تان به این کافه کتاب افتاد، از بخش اسناد، غفلت نکنید چرا که مجموعه‌ای منحصر به فرد است. برخی اسناد واقعی قدیمی از جمله قدیمی‌ترین وقفنامه تهران متعلق به «املا محمد مقیم‌ارازی» مربوط به سال ۱۰۶۰ هجری قمری و سندی به خط فتحعلی شاه در این کافه کتاب نگهداری می‌شود که حتی در آرشیو کتابخانه ملی موجود نیست.

نویسندگان وشاعران در این کافه‌های طهران دورهم جمع می‌شدند

قهوه با طعم داستان

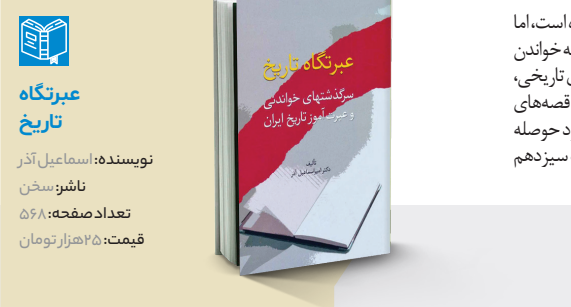
✓ **نیلوفر ذوالفاری**
اوایل قرن گذشته بود که تخت‌های قهوه خانه کم کم جایشان را به میز و صندلی‌های چوبی کافه‌ها دادند و چهره پاتوق‌ها رنگ و بویی تازه گرفت. مدرنیته آهسته آهسته قدم به پایتخت می‌گذاشت و ساخت کافه‌ها، جلوه‌ای از این تغییر اجتماعی بود. بسیاری از این کافه‌ها، شهرت و محبوبیت خود را از نویسندگان، شاعران و بزرگانی گرفتند که هر عصر پشت میز کافه می‌نشستند، با شور و هیجان بحث‌های ادبی راه می‌آنداختند، شعر و داستان می‌خواندند و جریان ادبی آن روزها را در فاصله نوشیدن یک فنجان چای یا قهوه شکل می‌دادند. بعضی از این کافه‌ها مثل کافه نادری هنوز پای‌جا هستند و از برخی، تنها خاطر ات نوشتار تک یک به جا مانده است.

کافه نادری

معرفی: اوایل فرنی که گذشت، جلوه‌های مدرنیته جامعه ایرانی را دچار تحولاتی کرده بود به‌طوری که سال ۱۳۰۶، کافه و قنادی نادری توسط مهاجر ارمنی «خاچیک مادیکسیان» که قناد بود دایر و به سرعت به نمادی از مدرنیته تبدیل شد.	نشانی: خیابان جمهوری اسلامی، بعد ازپل حافظ، نرسیده به چهارراه استانبول	شمارهٔ ملی: ۱۵۶۶۶	وضعیت فعلی بنا: فعال
	زمان ثبت اثر: سال ۱۳۸۶	وضعیت فعلی بنا: فعال	



معرفی: در روزهایی که کافه‌ها یکی بعد از دیگری در پایتخت راه‌اندازی می‌شدند، هر کافه‌ای که پاتوق صادق هدایت بود، به سرعت معروف می‌گشت. کافه ماسکوت از این دسته بود. صاحب کافه ماسکوت پیرمردی فرانسوی به نام ایراک بود.



عبرنگاه تاریخ	نویسنده: اسماعیل آذر
تاریخ	ناشر: سخن
	تعداد صفحه: ۵۶۸
	قیمت: ۲۵هزار تومان



پاتوق روشنفکران و اهالی قلم

کافه نادری بعدها توسط پسر و نوه‌سازنده آن اداره شد.آن روزها دیدارهای دوستانه دیگر به شکل گذشته، در خانه‌باب نبود. دوستان همدیگر را در کافه ملاقات می‌کردند. کافه نادری یکی از مکان‌های رفت‌وآمد شاعران، نویسندگان، روشنفکران و رجال سیاسی فرهنگی و ادبی کشور شده‌بود.از دلایل دیگر محبوبیت کافه نادری منوی جدید و متفاوت آن در میان کافه‌های دیگر بود. در این منو غذاهای فرنگی بیفتک، شاتوبیان، بیف استراگلف و نوشیدنی‌های خوش طعمی چون قهوه ترک، قهوه فرانسه و کافه گل‌سه و البته بستنی به چشم می‌خورد.

کافه فیروز



معرفی: بعد از تخریب کافه فردوس در اواخر دهه ۴۰ مانند کافه‌های قدیم دیگر تهران، پاتوق افراد فرهیخته مانند جلال آل احمد و دوستدارانش بود و در زمینه شعر و داستان فعالیت داشت.

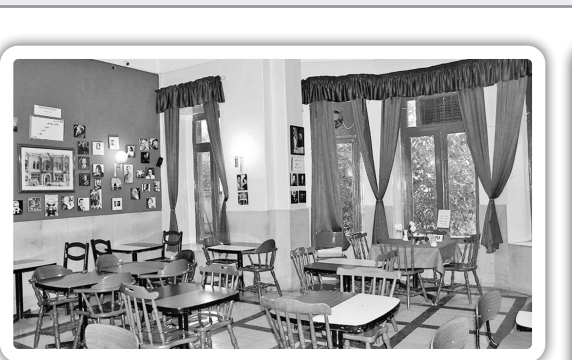
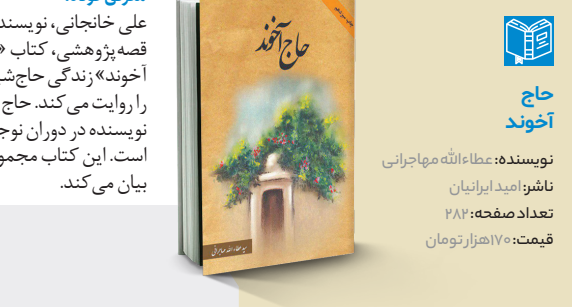
نشانی: خیابان جمهوری اسلامی، حدفاصل خیابان حافظ و فردوسی	شمارهٔ ملی: ۱۵۶۶۶	وضعیت فعلی بنا: فعال
قدیم: دهه ۴۰	وضعیت فعلی بنا: تغییر تجاری	

پاتوق تابستانی

کافه فیروز پاتوق افرادی مانند مهدی اخوان ثالث، جلال آل احمد، ماژ آزد، شمس آل احمد و فروغ صادق هدایت بوده‌است. ششود هدایت هنگام غروب، بعد از کافه فردوسی، راهی کافه ماسکوت می‌شد و جمعیت قابل توجهی را که بسیاری از آنها جزو طرفدارانش بودند به انجام می‌برد. از جمله افرادی که به ماسکوت می‌رفتند، می‌توان به پروفیسور محسن هشتروندی، دبیح بهروز، دکتر پرویز ناتل خانلری، پرویز درویش، حسن قافلیان، دکتر روح بخش، مهدی آرزوی، اکبر منکنیک، شهید نورایی، صادق چوبک و… اشاره کرد.

خوراکی‌های متفاوت

کافه ماسکوت بیشتر شهرت را مدیون منوی ساده و در عین حال عجیبش بود. غذاهای این کافه خاص بود در هر منویی دیده نمی‌شد. منوی کافه، شامل خیار، گوجه‌فرنگی، عدس و لوبیای پخته، تخم‌مرغ آبپز، کلم‌پنج خردشده، کاهو، اسفناج پخته، ترب، ترپچه، سبزی خام- بود. جالب اینکه موسیو ایراک یک پیرموس نیز داشت تا اگر کسی نمرومی خواست برایش درست کند. کافه پیشخوان کوچکی داشت با ۵-۴ تا میز و صندلی که در فضای نسبت می‌چند متری دور هم چیده شده بود. ماسکوت نامی بود که برای این محل سر زبان‌های گشت‌ان‌خودم‌زانه تالوایی که نشان از نازش داشته‌باشد، نداشت. راسته‌ای کدر آن سال‌ها کافه ماسکوت وجود داشت، حال‌اگر مرکز تجارت جهانی فردوسی ساخته شده‌است.



مجالس ادبی

کافی است نام‌ها را مرور کنیم تا فضای دورهمی‌های ادبی و فرهنگی در کافه نادری آن زمان برای‌مان ملموس تر شود: بزرگ علوی، مجتبی مینوی طهرانی، مسعود فرزاد، دوستان همدیگر را در کافه ملاقات می‌کردند. کافه نادری یکی از مکان‌های رفت‌وآمد شاعران، نویسندگان، روشنفکران و رجال سیاسی فرهنگی و ادبی کشور شده‌بود.از دلایل دیگر ی که دیدن آنها پشت میزهای کافه نادری، خبر از بحث و گفت‌وگوهای ادبی می‌داد. کافه نادری همچنان پابرجاست و با همه تفاوت‌هایش نسبت به سال‌های دور، محبوب کسانی است که نوشتارزی سال‌های رونق ادبیات را با نوشیدن یک فنجان قهوه در این کافه مرور می‌کنند.

کافه گل رضائیه



معرفی: از نخستین کافه رستوران‌های تهران و از معروف‌ترین پاتوق‌های صادق هدایت و سایر اهالی قلم و روشنفکران بود و سال ۱۳۱۰ توسط فردی ارمنی به نام «گارگان آوانسیان» در خیابان سی‌تیر فعلی افتتاح شد.

نشانی: خیابان سی‌تیر نرسیده به خیابان جمهوری اسلامی	شمارهٔ ملی: ۱۵۶۶۶	وضعیت فعلی بنا: فعال
قدیم: سال ۱۳۱۰	وضعیت فعلی بنا: تغییر تجاری	

آشنایی بانام کوچک

ابتدا کاربری دیگری داشت، اما در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، شخصی موسوم به «هنر بالله خوشامن» آنجا را خرید و کاربری آن را به کافه تغییر داد. کافه گل رضائیه با فضای دنج، حال و هوای خاص و نور قرمز خود، توجه افراد بسیاری را جلب کرد و به پاتوق شاعران، نویسندگان و هنرمندان تبدیل شد. صاحب رستوران، جوان آذری‌زانی بود که همه مشتریانش را در دومین نوبت ورود به رستورانش بانام کوچک می‌شناخت و با آنها سلام و احوال‌پرسی می‌کرد. خیلی‌ها به خاطر خلق خوش او بهای همین غذاهای ارزان‌قیمت را هم قسطی می‌پرداختند و میز و صندلی‌های آن در ساعت‌های نهار و عصرانه و شام لحظه‌ای از مشتریان خالی نمی‌شد.

میزکنان پنجره

نقل است، افراد مشهوری چون صادق هدایت و فروغ فرخزاد به این کافه رفت و آمد داشتند و شاید، بخش‌هایی از اشعار و نوشته‌های آنها در گوشه‌ای از کافه گل رضائیه به رشته تحریر در آمد. با وجود اینکه هدایت به کافه‌های دیگری از جمله فردوسی یا نادری نیز سر می‌زد، برخی، کافه گل رضائیه را مهم‌ترین پاتوق‌های او معرفی می‌کنند. میز کنار پنجره که زمانی به فروغ فرخزاد، صادق هدایت، مینوی و… اختصاص داشت و عکس‌های آن نیز بر دیوار کافه نشسته‌است، اکنون برای بسیاری از دستداران فرهنگ، هنر و ادبیات، یاد آنها را زنده می‌کند.

معرفی کوتاه:

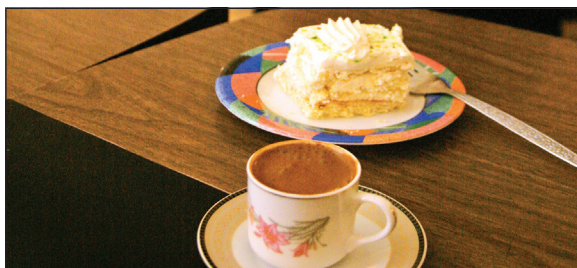
علی خانجانی، نویسنده و مؤسس و مدیر پیشین مرکز پژوهش و ترویج قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی، مدرس و فعال در عرصه قصه‌گویی و قصه پژوهشی، کتاب «حاج آخوند» را در زمره کتاب‌های خوب و ارزشمند می‌داند و آن را به مخاطبان معرفی می‌کند. نویسنده در کتاب «حاج آخوند» زندگی حاج‌شیخ محمود رضا امینی، فرزند مرحوم شیخ علی‌عزفر، در روستای مهاجران و روستاهای اطراف، معروف و مشهور به حاج آخوند را روایت می‌کند. حاج آخوند شخصیتی است با روحی بزرگ و معنویت‌ی متعالی که بر اطرافیان و به‌خصوص نویسنده تأثیر فراوانی گذاشته‌است. نویسنده در دوران جوانوی با شخصیت اصلی داستان‌ش دیدارهایی داشته و در این کتاب به نقل خاطرات خود از آن دوران با محوریت او پرداخته است. این کتاب مجموعه‌ای حکایت‌گونه‌است که نویسنده با نثری کم و بیش شاعرانه، منش، رفتار و روحیه عارفانه و خالصانه حاج آخوند را بیان می‌کند.

علی خانجانی



- ویژه‌نامه روز هفتم
- ۲۵ آبان ۱۴۰۲
- شماره ۲۱

کافه فردوسی



معرفی: اگر کافه نادری از دهه ۴۰ به پاتوق رسمی تبدیل شد، این افتخار از دهه ۳۰ به نام کافه فردوسی ثبت شده بود. صاحب کافه پیرمرد ارمنی بود که به سیبل‌های پریشت و بلندش معروف بود. صادق هدایت و گروه ۳ نفری که گروه ریعه را تشکیل می‌دادند، از نخستین نویسندگانی بودند که اینجا رفت وآمد داشتند.

نشانی: خیابان فردوسی، چهارراه استانبول	شمارهٔ ملی: ۱۵۶۶۶	وضعیت فعلی بنا: تغییر کاربری یافته
قدیم: دهه ۳۰	وضعیت فعلی بنا: تغییر کاربری یافته	

احترام ویژه کافه‌چی به نویسندگان

مجتبی مینوی، بزرگ علوی، دکتر خانلری، کلنل علیقتی وزیر ی، عبدالحسین نوشین، مسعود فرزاد و بعدها جلال آل احمد و حلقه پارانش از شناخته شده‌ترین چهره‌هایی بودند که به این کافه رفت‌وآمد داشتند. می‌گویند صاحب کافه با همه بداخلاقی‌اش، به نویسندگانی چون صادق هدایت احترام ویژه‌ای می‌گذاشته‌است. مشهور است که یکبار هدایت، سبیل را در حال غرولند کردن دید. علت ناراحتی‌اش را جویا شد. صاحب کافه حساسی از دست مشتریانی که سیگارشان را در فنجان قهوه‌شان خاموش می‌کردند، یک بود. هدایت می‌که ندانست این هم یکی از آن اداهای روشنفکری است درخواست کرد مقوا و قلم کرد و نوشت: «از آقایانی که عادت کرده‌اند سیگارشان را در فنجان قهوه‌شان خاموش کنند، استعفا می‌شود قبلا به ما خبر دهند تا ما در زیرسیگاری برای‌شان قهوه سرو کنیم.» کافه فردوسی بعد از تبدیل شدن به مغازه اسباب‌بازی فروشی، حالا بخشی از آن ساختمان بانک ملی و نیمه دیگری از آن روشگاه کت و شلوار و پارچه‌فروشی شده‌است. این پاتوق به اندازه کافه نادری و به حدس و گمان برخی از مشاهیر ادبیات شاید کمی بیشتر از آن قدمت داشته باشد.

کافه لقانطه



معرفی: اینجا را می‌توان نخستین کافه تهران دانست که در زمان مظفرالدین شاه، به‌دست پاریسی‌رشتی‌ای با فرهنگ کافه‌نشین و توسط فردی به نام غلام‌حسین مولایی که اصالت تبریزی داشت، در خیابان باب‌هایمون ساخته شد.

نشانی: خیابان باب‌هایمون	شمارهٔ ملی: ۱۵۶۶۶	وضعیت فعلی بنا: دایر و فعال
قدیم: سال ۱۲۸۵	وضعیت فعلی بنا: تغییر کاربری	

اولین زنجیرهای

شعبه دوم این کافه در سال ۱۳۰۰ در عمارت نظامیه(با خرید بخشی از عمارت میرزا آقاخان نوری، دومین صدراعظم ناصرالدین شاه) با هماهنگ‌بخت امیر قزوین ساخته شد. شعبه سوم روبه‌روی میدان بهارستان و شعبه چهارم در خیابان لامازر در کنار سینما متروپل افتتاح شد. در حقیقت این کافه، نخستین کافه زنجیرهای ایران هم‌ست. خدمتکاران کافه، صندلی‌های لهستانی و میزهای دایره‌ای و مربع شکل را در جلوی کافه، کنار جوی آب پیاده‌روی می‌چیند آب جوی از کاربر میدان کافه، تویخانه جاری می‌شد و زلال و پاکیزه بود. حوضی در جلوی کافه ساخته‌بودند که فیواری در میانه آن جای داشت. گلدان‌هایی بر از گل در کنار کافه چیده‌بودند. در فصل سرد سال نیز از مشتری‌ها درون کافه پذیرایی می‌شد.

دورهمی روشنفکران و اشراف

مشتری‌بانش همه از اعیان و اشراف بودند و با کالسکه و درشکه‌های خود به این کافه سر می‌زدند و تفریح و استراحت می‌کردند. کمال‌الملک در سال‌های آخر عمر به این کافه سر می‌زد و اوهانس اوهانیان،سلیمان‌نویس و کارگردان فیلم «ای وری» (۱۳۰۹) نخستین فیلم‌کندی سینمای ایران را در این کافه، ثبت کرد. در کنار روزنامه‌نگاران و نویسندگان و از فرنگ بر گشته‌ها، مردان بلندار هم به کافه می‌رفتند که زنده‌مرد ابرو و احترام داشتند.

خانه‌های گردشگری ادبی ایران

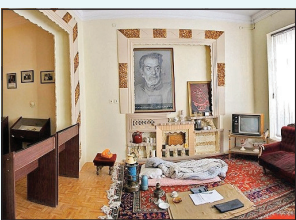
فرقی نمی‌کند خانه تاریخی یک نویسنده معروف باشد، مقبره شاعری که شعرهایش را زیرلب زمزمه کرده یا لوکیشن داستانی که در کتاب محبوب‌مان خوانده، گشت و گذار در چنین مکان‌هایی در دسته گردشگری ادبی قرار می‌گیرد. مکان‌هایی که به دنیای ادبیات ربط پیدا می‌کنند، از بی‌طرفانه‌ترین مقاصد گردشگری در دنیا و هر کشور ما هم اماکنی بر تعداد هستند.

خانه نیما در پوش



مسافرائی که به مازندران سفر می‌کنند و اهل ادبیات هم هستند، حتماً دین پوش، روستای زانگانه بدر شعر نوی فارسی را در برنامه سفر خود قرار می‌دهند. خانه پدری نیما پویش که نامش در شمار فهرست آثار ملی ایران ثبت شده، متعلق به نیما پویش یا علی اسفندیاری، فرزند ابراهیم نوری معروف به اعظام السلطنه و طوبی مفتاح و همچنین همسر عالییه جهانگیری خواهرزاده میرزا جهانگیر صوراسرافیل روزنامه‌نگار پرآوازه مشروطه ایران است. زادگاه این شاعر که آرامگاه او نیز شده، از بناهای زیبایی دوره قاجار به‌شمار می‌آید. سیروس طاهیان، نویسنده و گردآورنده آثار نیما و بهجت‌الزمان اسفندیاری، خواهر نیما نیز در حیاط همین خانه، به خاک سپرده شده‌اند.

خانه شهریار در تبریز



خله محمدحسین بهجت‌تبریزی (شهریار)، شاعر آذری‌زبان معاصر ایران که غزل‌ها و شعرهایش در قلب و ذهن مسان مانده، یکی از جاذبه‌های گردشگری ادبی ایران است که زندگی ساده و حال و هوای این شاعر بزرگ در سال‌های آخر عمرش را برای‌مان نداعی می‌کنند.ر بازدید از این خانه تاریخی در تبریز، هنوز هم می‌توانید رختخواب لباس‌ها و لوازم شخصی شهریار را ببینید. علاوه بر این، تبریز مهد شاعران بزرگ دیگری همچون پروین اعتصامی، خاقانی و صمد بهرنگی نیز هست. بیش از ۵۰۰ ساله‌ای از آثار و لوازم شخصی شهریار مانند کتاب‌ها، کیف، عصا، آثار چاپ شده، دفترها واروق دستنویس آثاری، نسخه‌قرآنی که توسط ایشان با خط‌نسخ نوشته شده،لوازم تحریر، وسایل شخصی و لوازم زندگی، البوم‌های عکس و لوازم یادبودها و هدایای داخلی و خارجی عیم اندر پیشخدمت و فرزانه در معرض نمایش عموم قرار داده شده‌است. در قسمت زیرزمین موزه نیز عکس‌های اسناد از دوران زندگی مختلف وی، واحد سمنه عصری و قسمتی از ابزار آلات مهمانان و بازدیدکنندگان موزه قرار دارد.